

بازمانده

فرهنگی، هنر و ورزش



در نشستی با دست‌اندرکاران مستند «مهمان عزیز» آگاهی بخشی درباره سقط جنین و تأثیر آن بر خانواده‌ها را بررسی کردیم

◀ صفحه ۸

روایت اسارت انسان در چارچوب‌های خودساخته

گفت‌وگوی «جام‌جم» با سامان خلیلیان، کارگردان نمایش «درد»



◀ ۱۱

جشنواره‌ها، صحنه تحقیر سینمای زیرزمینی

آثار نازل و آپکی سینمای مستقل؛ سروصدا به خاطر چیزی است که اساسا وجود خارجی ندارد



◀ ۱۰

ترنم دلپذیر آیات

گپ‌وگفت «جام‌جم» با دست‌اندرکاران برنامه‌ای که با حضور کارشناسان مطرح از رادیو قرآن روی آنتن می‌رود



◀ ۷

نگاه

رفیق دیروز، ولی امروز



دکتر نازی مروت نویسنده و پژوهشگر

دیدار رهبر معظم انقلاب اسلامی با دست‌اندرکاران برگزاری همایش بین‌المللی تفسیر تسنیم، بازتاب گسترده‌ای در فضای علمی حوزه علمیه داشت. سخنان معظم‌له در تجلیل شخصیت ممتاز علمی آیت‌الله‌العظمی جوادی‌آملی به‌عنوان یکی از اثرگذارترین شخصیت‌های حوزوی و اثر ارزشمند ایشان یعنی تفسیر تسنیم حائز اهمیت بود. ایشان درباره شخصیت علمی آیت‌الله فرمودند: «البته فعالیت‌های آیت‌الله جوادی‌آملی در زمینه علوم عقلی و نقلی و کارهای فقهی، فلسفی و عرفانی ایشان همگی مهم و درخور تقدیر است اما هیچ‌کدام قابل مقایسه با کار تفسیر قرآن ایشان نیست». باتوجه به این‌که نزدیک به هفتادسال فعالیت مؤثر علمی، تبلیغی، اجتماعی و سیاسی برکسی پوشیده نیست، باید دلیل این تأکید را در غنای علمی تفسیر تسنیم دانست. مجموعه هشتاد جلدی که در ادامه روش و اسلوب «المیزان» علامه طباطبایی و در یک پروسه چهار ساله به رشته تحریر درآمده است. تفسیر تسنیم دایره‌المعارف از علوم اسلامی است که روش و سبک زندگی اسلامی را در لوی آیات قرآن کریم برای خوانندگان به تصویر می‌کشد زیرا نگارنده در این تفسیر علاوه بر بهره‌مندی از قرآن، عقل و سنت، به نظریات سایر اندیشمندان کلامی و فلسفی نیز نظر افکنده و از مسائل اجتماعی و سیاسی غفلت نورزیده است. دیدگاه رهبر معظم انقلاب درباره این شخصیت وارسته، عالم و بین‌المللی جهان تشیع را باید از دو منظر یعنی جایگاه علمی و سیاسی معظم‌له مورد توجه قرار داد. تجلیل عالمانه از شخصیت این علامه ذوالفقون، حضرت آیت‌الله جوادی‌آملی برخاسته از شناخت عالمانه از خدمات این مفسر قرآن است اما این‌که یک رهبر سیاسی- دینی در بحبوحه رویدادهای سیاسی منطقه به مسأله علم و جایگاه عالم نظر می‌افکنند، برگرفته از نوع نظام و اسلوب تفکر حاکم است. تفکری که در بررسی رفتار و کنش اجتماعی و سیاسی آیت‌الله جوادی‌آملی به‌عنوان یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار در ایران قبل و پس از پیروزی انقلاب اسلامی قابل مشاهده است.

ایشان با تأسی از اندیشه امام راحل از سال ۴۲ همراه نهضت امام خمینی (ره) شد و به واسطه این همراهی و زمینه‌سازی انقلابی بارها توسط شهرداری احضار شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز باعضویت در شورای عالی قضایی، مجلس خبرگان، امامت جمعه شهرقم و مأموریت ویژه در سفر به شوروی از سوی امام خمینی (ره) به جمع همراهان نظام پیوستند. نکته قابل توجه این است که آیت‌الله در همه این مسئولیت‌ها همواره خوش درخشید، لکن مسئولیت‌های اجرایی مانع تحقیق، تدریس و شاگردپروری ایشان نشد. شاید همین ویژگی است که موجب شده تا دوستی عمیقی بین آیت‌الله و رهبر معظم انقلاب شکل گیرد. چنانچه فرزند آیت‌الله جوادی‌آملی روایت می‌کند که در زمان بیماری رهبر معظم انقلاب و ملاقات من شاهد بودم که حاج‌آقا به دیدار دوست می‌روند. اینها واقعا دو دوستی بودند که در مصاف حق بودند و یکدیگر را حمایت می‌کردند. یکی در سنگر فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی و دیگری در سنگرهای فرهنگی، علمی، حکمی، فلسفی و تفسیری. این بیان گویای رفاقت و دوستی دو عالم در سنگر سیاست و علم است. همانگونه که وقتی خبرگان، آیت‌الله خامنه‌ای را به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی انتخاب کردند، در پایان جلسه آیت‌الله جوادی‌آملی کنار در ایستادند. هراندازه دیگران و رهبر معظم انقلاب اصرار کردند که شما بزرگترید و... آیت‌الله مودبانه فرمودند: نه آقا، شما تا دیروز رفیق من بودید اما امروز ولی من هستید...

زاویه دید

تأثیرات حاج ملاهادی سبزواری بر ادبیات و فلسفه، نشانی از عمق اندیشه ایرانی دارد

احیاگر فلسفه صدرایی

همشهرام بخت فروز فرهنگ‌و هنر

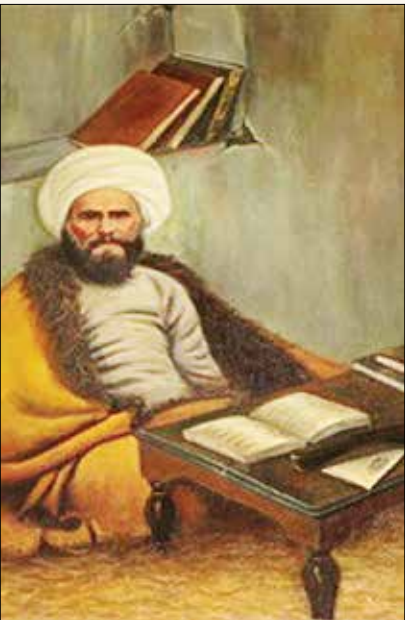
حاج ملاهادی سبزواری، فیلسوف و متکلم و شاعر دوره قاجار بود. او در خانواده‌ای از بازگانان ملاک متولد شد. در سن ده‌سالگی به مشهد برده شد تا تحت تعلیم ملا حسین زبان عربی، فقه، منطق و اصول دین و قانون بیاموزد. در سن بیست‌سالگی به اصفهان رفت و شاگرد ملاعلی نوری و ملا اسماعیل اصفهانی که عمدتاً مکتب ملاصدرا را تدریس می‌کردند، شد. همزمان وی فقه اسلامی را نیز نزد آقا محمدعلی نجفی، یکی از علمای بزرگ شیعه اصفهان، تحصیل کرد. علیرغم ارث قابل توجهی که دریافت کرده بود، زندگی زاهدانه‌ای در اصفهان در پیش گرفت و هر زمان که درمی یافت طالب علمی به کمک مالی نیاز دارد، مخفیانه به او کمک می‌کرد. شیخ‌های چندین سال بعد به مشهد بازگشت و در مدرسه حاج حسن به تدریس علوم نقلی و عقلی اشتغال یافت و از شعر فلسفی خود، «المنظومه»، که احتمالاً در اصفهان سروده بود، به‌عنوان متن استفاده می‌کرد. بعد از این زمان عازم سبزوار و سپس مکه شد و در زمان مرگ فتحعلی‌شاه قاجار به ایران بازگشت و در کرمان اقامت گزید و در این مدت ریاضت پیشه کرد و با سرایدار مدرسه‌ای توافق کرد که درازای دریافت اتاقی برای زندگی، مدرسه را جارو کند. در این مدت او به‌صورت ناشناس در کرمان زندگی کرد و پس از آن عازم سبزوار شد. در آنجا مرکزی برای مطالعه فلسفه و عرفان اسلامی تأسیس کرد که به‌لطف او، به مدت چندین دهه با مدارس اصفهان و تهران رقابت می‌کرد. او مدرسه فصیحیه را مرکز تدریس خود قرار داد که بعدها به مدرسه حاجی معروف شد که بخشی از آن تا به امروز باقی‌مانده است. شهرت این مدرسه تا آنجا بود که دانشجویان از سراسر ایران، عراق، ترکیه، قفقاز، هند و حتی تبت به این مدرسه و دروس حاجی جذب شدند. شهرت حاج ملاهادی سبزواری به حدی گسترش یافت که وقتی ناصرالدین شاه به زیارت مشهد رفت، در سبزوار توقف کرد و از این حکیم بزرگ دیدار کرد. او چندان تحت تأثیر حضور این فیلسوف پارسا قرار گرفت که از عکاس سلطنتی خود، آقا رضا عکاس‌باشی، خواست از شیخ‌های عکس بگیرد. این عکس که هنوز

موجود است، قدیمی‌ترین عکس معتبر شناخته‌شده از یک فیلسوف اسلامی قرن سیزدهم به شمار می‌آید. ناصرالدین شاه همچنین از شیخ‌خواست کتابی به زبان فارسی در باب دوره کامل فلسفه سنتی بنویسد. شیخ نیز اجابت کرد و «اسرارالحکم» را تألیف نمود و «هدایت الطالبین» را نیز تصنیف کرد. حاج شیخ‌های سبزواری در سال ۱۲۸۹ و پس از گذراندن یک زندگی فکری بسیار فعال بر اثر حمله قلبی درگذشت و در نزدیکی دروازه نیشابور در خارج از سبزوار به خاک سپرده شد. میرزا یوسف مستوفی‌الممالک آشتیانی مقبره‌ای بر مدفن او بنا کرد که در سال‌های اخیر بازسازی شده است. این مقبره بیش از یک قرن است که محل زیارت مسلمانان متدین و یاراست.

آثار حاج ملاهادی سبزواری

اگرچه شیخ‌های بیشتر یک حکیم بود تا متکلم، حدود پنجاه و دو اثر به زبان‌های عربی و فارسی نوشت که این آثار عمدتاً به فلسفه (حکمت) مکتب صدرایی می‌پردازند؛ اما تعدادی از آنها نیز درباره موضوعات دیگری مانند ادبیات و شعر هستند. مجموعه آثار او شامل کتاب‌های مستقل، تفسیرهایی بر متون معتبر پیشین و همچنین پاسخ‌هایی به پرسش‌های دانشجویان یادگیر علماست. حاج ملاهادی سبزواری آثار برجسته‌ای در زمینه شرح متون دینی و عرفانی از خود به‌جای گذاشته است. «شرح دعای جوشن کبیر» که به «شرح الاسماء الحسنی» نیز شهرت دارد، تفسیری به زبان عربی بر دعای مشهور جوشن کبیر است. این کتاب از دیدگاه برخی، بزرگ‌ترین اثر او به شمار می‌رود و تلفیقی از تقوای شیعی و عرفان را به نمایش می‌گذارد. «مصباح الفلاح فی شرح دعای صباح» یکی دیگر از آثار باطنی و عرفانی اوست که به زبان عربی به رشته تحریر درآمد و به تبیین معنای درونی دعای صباح، منسوب به امام علی (ع) می‌پردازد. همچنین، «شرح ابیات مشکله مثنوی» تفسیری است بر ابیات دشوار مثنوی معنوی که به درخواست سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه، حاکم خراسان، تألیف شد و نشان‌دهنده تسلط حکیم سبزواری بر شاهکار ادبی

مولانا است. این تفسیر از مهم‌ترین تفاسیر مثنوی به زبان فارسی در دوره قاجار به شمار می‌رود و در حدود ۵۰ سال پیش در تهران با عنوان «شرح اسرار مثنوی» به چاپ رسید. «هدایت الطالبین» کتابی است که در آن شیخ به شناخت پیامبران و امامان پرداخته است. حاج ملاهادی سبزواری دیوانی نیز دارد متشکل از غزل، رباعی، و مثنوی که با تخلص «اسرار» نوشته شده است. حاج شیخ‌های سبزواری شخصیتی جذاب داشت و معلمی برجسته بود که تعداد زیادی از جویندگان دانش را به سخنرانی‌های خود جذب می‌کرد. از آنجا که افراد بسیاری از سراسر ایران و دیگر مناطق برای تحصیل نزد او می‌آمدند، او آزمون‌های طراحی کرد و فقط پیشرفته‌ترین دانش‌آموزان را می‌پذیرفت و بقیه را برای تحصیل نزد شاگردان ارشد خود، از جمله پسرش ملا محمد، می‌فرستاد. او اغلب «اسفار اربعه»، «الشواهد الربوبیه»، «المبدا و المعاد» و کتب فلسفی دیگر را با نقل قول‌هایی از شاعران کلاسیک صوفی فارسی مانند سنایی، عطار، رومی و حافظ تدریس می‌کرد. سبزواری شاگردان بسیاری تربیت کرد که تقریباً بر تمام زندگی فکری ایران قاجار تأثیر گذاشتند. از جمله مشهورترین شاگردان او می‌توان به ادیب پیشاوری که یکی از بزرگ‌ترین استادان ادبیات فارسی در دو قرن گذشته شناخته می‌شود و فقیه مشهور شیعه آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و میرزا محمد یزدی، معروف به فاضل یزدی را نام برد. شیخ‌های زندگی ساده‌ای همراه با تقوا داشت و اهل سیر و سلوک معنوی بود. او هیچ علاقه‌ای به دارایی مادی یا قدرت دنیوی نداشت و عشق او به دانش نیز صرفاً عشقی معنوی محسوب می‌شد. برای درک کامل شخصیت حاج ملاهادی سبزواری، نباید نقش پررنگ شعر را در زندگی و آثار او نادیده گرفت. او از کودکی به شعر علاقه و ذوقی سرشار در این زمینه داشت. تسلط او بر شعر کلاسیک عربی و فارسی، به‌ویژه آثار شاعران عارف مانند مولانا و حافظ، بسیار چشمگیر بود. او حتی در خلال تدریس فلسفه و الهیات، از اشعار این بزرگان برای تبیین مطالب استفاده می‌کرد. علاوه بر این، سبزواری خود نیز شاعری توانا بود که به هر دو زبان عربی و



فارسی شعر می‌سرود. بیشتر اشعار او، سروده‌هایی ناب و دلنشین در سبک شاعران عارف فارسی هستند که در آن‌ها، زبان شیوا و گیرای شعر، از اصطلاحات فنی فلسفی و الهیاتی فاصله گرفته است. در واقع، سبزواری در مقایسه با فیلسوفانی مانند میرداماد و ملاصدرا که گاهی شعر می‌سرودند، شاعری زبردست‌تر به شمار می‌رفت. دیوان اشعار او، وی را در ردیف شاعر-فیلسوفانی مانند افضل‌الدین کاشانی و عبدالرزاق لاهیجی قرار می‌دهد. حتی برخی از غزل‌های او، از نظر برجسته‌ترین محققان ادبیات فارسی، با غزل‌های حافظ قابل قیاس است. بدون شک، شیخ سبزواری مشهورترین و تأثیرگذارترین فیلسوف اسلامی ایران در دوره قاجار است و نقش بسیار مهمی در احیای فلسفه صدرایی در دوره خود داشت. حلقه فلسفی شیخ‌های در سبزوار مرکز مهم فلسفه اسلامی در دوره قاجار محسوب می‌شد و تأثیر عمده‌ای در مکتب تهران داشت. شرح منظومه سبزواری همچنان یکی از محبوب‌ترین متون حکمت است که در مدارس سنتی مختلف تدریس می‌شود. حاج ملاهادی سبزواری، فیلسوف، متکلم و شاعر برجسته عصر قاجار، شخصیتی چندوجهی داشت که با تألیف آثار ارزشمند و تربیت شاگردان نامدار، نقش به‌سزایی در احیای فلسفه صدرایی و اعتلای فرهنگ و اندیشه اسلامی در ایران ایفا کرد. او با زندگی زاهدانه، تقوای مثال‌زدنی و سلوک معنوی، الگویی برای جویندگان حقیقت بود.